

" حذف مذهب " از کجا ؟ ، از نهاد دولت و یا جامعه !؟

اشاره ای کوتاه به برخی مطالب مطرح شده از سوی
آقای مهندس عزت الله سحابی در مصاحبه ای تحت عنوان
" گرد آمدن حول وطن ایرانی "

آیا صحیح است و در مغایرت با " اخلاق " سیاسی نیست ، که " بحران " حاکم بر ایران را که در حقیقت تا اندازه زیادی نتیجه اتخاذ سیاست و عملکردهای غلط شورای نگهبان ، مجمع تشخیص مصلحت نظام ، قوه قضائیه ، روحانیت دولتی و خطباء نماز جمعه و دستگاه های تبلیغاتی رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ... بر رهبری مقام رهبری آیت الله سید علی خامنه ای می باشد را سعی کرد بطور کامل به حساب " تهاجمات خارجی آمریکا به اتفاق صهیونیست ها " گذاشت ؟

فراموش کرده ایم که از سوی مقام رهبری " حکم حکومتی " صادر شد که " ایرانیان " با " غیرت " نباید به این فکر بیفتند که می توانند " با گفت و گو بر حول محور ملیت و وطن ایرانی " و دست زدن به روشنگری ، جو سیاسی ای در ایران و جهان بوجود آورند که از آن طریق در جهت حل مشکلات و اختلافات موجود با " دولت ایالات متحده آمریکا " اقدام کنند و سرانجام قدمهائی در جهت تضعیف " بحران " کنونی بردارند؟

در این مصاحبه همچنین روشن نیست که آیا آقای مهندس سحابی روشنگری در باره مشخصات و حدود " حقوق شهروندی " و " ارزشهای " تشکیل دهنده نظام دموکراسی و یا مخالفت با اصطلاح غلط " نظام دموکراسی دینی " - نظریه ای نا روشن و غیر علمی که آقای سید محمد خاتمی و طرفدارانش تبلیغ می کنند و در واقع وسیله ای در خدمت سرپوش گذاشتن بر ماهیت غیر دموکراتیک نظام " دین سالاری " می باشد - ، را بمعنی " افراطی گری " ، بی توجهی به " شرایط حاد " ، " تضعیف قوای فکری ، فرهنگی ... " و " حذف مذهب " ارزیابی می کنند؟

آقای مهندس عزت الله سحابی در مصاحبه ای با خانم پروین بختیار نژاد - روزنامه شرق - ، که همچنین در سایت اینترنتی آن روزنامه و بسیاری از سایت های دیگر تحت عنوان " گرد آمدن حول وطن ایرانی " انتشار پیدا کرده است ، بر امر " گفت و گو " بین " جناح های مختلف سیاسی " تاکید نموده اند و به عواملی که کشور ایران را " تهدید " می کنند اشاره

کرده و اظهار داشته اند: " دو عامل منفی به شدت به تضعیف قوای فکری، فرهنگی و اقتصادی ما بر خاسته است. اول تهاجمات خارجی آمریکا به اتفاق صهیونیست ها که تحمل یک ایران قوی را ندارد و دوم اختلاف سلیقه جناح های سیاسی؛ پدیده چند دولتی، رمق کشور را گرفته است. در چنین شرایطی باید برای وحدت تلاش کرد، اما این وحدت را نمی توان از بالا ایجاد کرد، بلکه باید با تفاهم و توافق عمومی مردم ایجاد شود. در چنین شرایطی با وجود تفاوت های حل ناشدنی و منافع متضاد، به دلیل داشتن هویت مشترک ایرانی و تمامیت ارضی، چنین وحدتی، فقط با گفت و گو برحول محور ملیت و وطن ایرانی میسر است."

و بطور مشخص در این مورد اظهار کرده اند: "... بلکه مطلوب آن است که ما گفت و گوهایی عام و فراگیر در نشریات و مطبوعات را آغاز کنیم تا نظرات موافق و مخالف منعکس شود و در بین مردم یک تحول کیفی اجتماعی شکل بگیرد. مفاهیمی مانند مردم سالاری، قانون مداری، انسان محوری و... از زمانی که مطبوعات مستقل شکل گرفته و جا افتاده، افکار عمومی نسبت به این مفاهیم حساس شده است. من شخصا بحث و گفت و گوی عمومی و فراگیر اجتماعی را در مطبوعات و رسانه های جمعی پیشنهاد می کنم."

و در مقابل سؤال "• شما مهم ترین موانع گفت و گو را در چه عواملی می دانید؟
پاسخ داده اند :

"یکی از موانع مهم بر سر راه گفت و گو بین گرایشات مختلف سیاسی این است که جناح مخالف اصلاحات خود را حق مطلق می داند و از موضع قدرت صحبت می کند و یا با خشونت عریان از طریق مخدوش کردن پیش زمینه های وحدت، اعمال قدرت می کنند. مانع دیگر مربوط به برخی نیروهای اصلاح طلب است که شرایط حاد را تشخیص نمی دهند و با طرح رادیکالیسم و افراطی گری، فضای گفت و گو را از بین می برند. به طور مثال، اخیرا بعضی از ایرانیان خارج از کشور به طرح پیشنهاد حذف مذهب می پردازند. غافل از اینکه این پروژه هزینه زیادی برای مردم ما دارد و منجر به قتل و خونریزی می شود. امروز، این دو عامل از موانع جدی برقراری گفت و گو در بین جناح های سیاسی در ایران است."

برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم و بد فهمی این بحث ، من قبلا بدون هیچگونه توضیح و تفسیر به نقل بخشهایی از متن مصاحبه آقای مهندس سبحانی با **روزنامه " شرق "** دست زدم ، تا خواننده در جریان باشد که نوشته من فقط بخاطر دامن زدن به بحث در رابطه با یکسری مواضع نظری و عقاید مورد اختلاف است و نه برخورد شخصی با یکی از شخصیت های آزادیخواه و مبارز اپوزیسیون ایران. به این امید که این نوشته به سرنوشت ، نقدی که **" سازمان فراکسیون متحد "** یکی از سازمان های طرفدار **" راه مصدق "** نسبت به نظریه غیر علمی و غلط **" مردم سالاری دینی "** که تحت عنوان : **آیا پسوند «دینی» در پی مردم سالاری، این « مردم سالاری » را دچار همان سرنوشتی نخواهد کرد که کلمه «اسلامی» پس از کلمه جمهوری، « جمهورییت » را به آن گرفتار کرده است؟** انتشار داده بودند ، دچار نشود! بلکه سعی کنیم بطور **مسئولانه** در جهت راه یابی و پاسخ به مسائل و نظرات مورد اختلاف و سئوالهای موجود، عمل کنیم و از این طریق کمک به **" وحدت "** نیروها بنمائیم!

بنظر ما سوسیالیست های ایران هر فرد و یا نیروی سیاسی که خود را بطور جدی طرفدار نظام مردم سالاری و دموکراسی می داند و بخاطر تحقق چنین "نظامی" در ایران فعالیت می کند ، اصولاً نمی تواند با امر "گفتگو" ما بین نیروهای سیاسی دگراندیش مخالف باشد. اما در این رابطه ضروریست متذکر شد که اگر بنا باشد امر "گفتگو" ، جدی تلقی شود و فقط جنبه تبلیغاتی نداشته باشد ، حتماً باید به این مسئله توجه شود که اجرای این امر در جامعه استبدادزده ایران در گروهی قبول یک "شرط اساسی" می باشد ، و آن اینکه ، افراد بخاطر طرح نظرات و عقایدشان و نقد نظرات و عملکرد مخالفین سیاسی خود و یا هیئت حاکمه و روشنگری در باره فرهنگ سیاسی سنتی و عقب افتاده حاکم بر جامعه ایران ، از سوی نهاد های دولتی و لباس شخصی ها و نیروهای منتسب به " حزب الله " تحت پیگرد قرار نگیرند ، تا آزادانه بتوانند مطالب مورد نظر خود را مطرح کنند ؟

وجود " مطبوعات مستقل " ، که مهندس سبحانی بدرستی برای تحقق " مردم سالاری ، قانون مداری ، انسان محوری " ضروری تشخیص داده اند ، همچنین از خواست های محوری تمام نیروهای اپوزیسیون و حتی بخشی از نیروهای سیاسی وابسته به هیئت حاکمه - معروف به " جبهه دوم خرداد " - ، بوده و می باشد . مگر یکی از شعارهای محوری انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی ، گروه ها و سازمانها و احزاب وابسته به " جبهه دوم خرداد " ، اصلاح و تغییر قوانین ارتجاعی مطبوعات نبود ؟ امری که متأسفانه با مخالفت غیر قانونی مقام رهبری آیت الله سید علی خامنه ای ، روبرو شد . مقام رهبری همچون یک حاکم مستبد ، بر خلاف اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی در امور کشور دخالت کرد و با صدور " حکم حکومتی " خاطره دوران استبدادی محمد رضا شاه پهلوی و محمد علی شاه قاجار را زنده نمود .

اگر بدقت مبارزات نیروهای سیاسی اپوزیسیون را مدّ نظر قرار دهیم به این نتیجه می رسیم ، بخشی از مطالبی که اشاره رفت ، همچنین جزو خواست های بسیاری از نیروهای اپوزیسیون از جمله ما سوسیالیست های مصدقی ، تا کنون ، بوده است .

مگر تحت پیگرد قرار دادن بسیاری از فعالین سیاسی و روزنامه نگاران آزادیخواه و وطن دوست ، طرفدار " حاکمیت قانون " ، استقلال و تمامیت ارضی ایران از جمله شخص خود مهندس عزت الله سبحانی از سوی نهاد های سرکوبگر هیئت حاکمه ، بخصوص قوه قضائیه در این رابطه نبوده است که چرا این افراد به خود اجازه داده اند با قانون شکنی و عملکرد های فراقانونی جناح های تمامیت خواه هیئت حاکمه مخالفت کنند و خواستار اجرای کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی شوند ؟

ضروریست همچنین متذکر شد که فرمولبندی برخی از مسائل مطرح شده از سوی آقای مهندس سبحانی در مصاحبه با روزنامه شرق ، نامفهوم و سؤال بر انگیز هستند . روشن نیست که چرا و بچه دلیل ایشان " اختلاف سلیقه های سیاسی " در بین نیروهای سیاسی ، مثلاً نیرو هائیکه مخالف استبداد و قانون شکنی هستند و " مردم سالاری ، قانون مداری ، انسان محوری " به بخش محوری خواست های سیاسی آنها تبدیل شده است را در یک سطح با نیروهای قانون شکن و نیروهائی که بخاطر منافع شخصی و گروهی خود ، علناً از حکومت استبدادی مذهبی دفاع می کنند و " دولت در " دولت خاتمی " بوجود آورده اند و بنا بگفته خود مهندس سبحانی " پدیده چند دولتی " را سبب شده اند که " رُمق کشور را گرفته است " در یک سطح قرار داده اند ؟

عملکرد مهندس عزت الله سبحانی تا کنون بیانگر این واقعیت بوده است که ایشان همچون بسیاری از عناصر و نیروهای "مصدقی" بر شعار اصلی و محوری "نهضت ملی ایران" ، یعنی "آزادی و استقلال" تاکید داشته و بر این نظر بوده اند که "آزادی" و "استقلال" دوروی یک سکه اند و این دو را نمی توان و نباید از یکدیگر جدا کرد. حال روشن نیست که چرا ایشان در این مصاحبه مورد بحث ، به شعار مرکزی "نهضت ملی ایران" توجه نکرده و خواستار "وحدت" عناصر و نیروهای آزادیخواه و استقلال طلب با نیروهای سرکوبگر، تمامیت خواه و طرفدار استبداد شده اند - همان نیروهائی که با پایمال کردن "حقوق ملت" ، حقوق مستتر در قانون اساسی جمهوری اسلامی - کمک به ایجاد وضع ناهنجار و "بحرانی" کنونی بر جامعه ایران کرده اند ؟

آقای مهندس عزت الله سبحانی حتماً باید بخاطر داشته باشند ، زمانیکه برخی عناصر و نیرو های جبهه ملی (دوره دوم) و طرفداران نهضت ملی که با برخی از مصوبات و تصمیمات کنگره جبهه ملی مخالف بودند ، شایع کردند که مرحوم الهیار صالح رهبر فقید جبهه ملی قصد سازش با کودتاچیان ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را دارد. در رابطه با همان شایعات بود که دکتر محمد مصدق که در احمد آباد تحت نظر مأمورین حکومت کودتا قرار داشت و امکان آشنا شدن با واقعیات و حقایق را بطور مستقیم نداشت ، بخاطر جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم و برداشت غلط از ماهیت نهضت ملی ایران و شعار محوری "آزادی و استقلال" در زیر یکی از عکسهای خود مطالبی را در دفاع از نهضت ملی ایران نوشت .

اتفاقاً ، دوستان جمعیت نهضت آزادی ایران ، جامعه سوسیالیست های نهضت ملی ایران خلیل ملکی و دانشجویان دانشگاه تهران ... در ایران همچون ما اعضای جبهه ملی و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی - اتحادیه ملی ، در خارج از ایران ، در انتشار و پخش آن عکس با آن زیر نویسی اقدام کردیم. حتی آن عکس با آن زیر نویسی از سوی کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی - اتحاد ملی ، در " سوگ دکتر مصدق " ، مجدداً تکثیر گردید و در بین دانشجویان ایرانی در سراسر جهان پخش شد.

روشن نیست که چرا و بچه دلیل آقای مهندس سبحانی در مصاحبه با روزنامه شرق به این واقعیت توجه نکرده اند که ، سیاست و عملکرد های خلاف قانون و غلط جناح های سرکوبگر و تمامیت خواه هیئت حاکمه و اعمال فراقانونی مقام رهبری سبب شده اند تا ایران با یک "بحران" بزرگ روبرو شود و نه احیاناً اعتراضات و خواست های جناح اصلاح طلب هیئت حاکمه و یا نیرو های اپوزیسیون و یا تبلیغ نظراتی از قبیل " حقوق شهروندی" و " ارزشهای نظام دموکراسی" و یا روشنگری در این باره که ، " نظام مردمسالاری دینی" سرابی بیش نیست ، چونکه "دین سالاری" نمی تواند کوچکترین رابطه ای با "نظام مردمسالاری" که "قانون مداری و انسان محوری" از مشخصات اساسی آن می باشند ، داشته باشد؟

آیا سیاست و عملکرد های غلط جناحهای از هیئت حاکمه جمهوری اسلامی ایران ، بخصوص نهادهای انتصابی از سوی مقام رهبری و دخالت های غیر قانونی مقام رهبری در امور کشور، در بوجود آوردن این وضع بحرانی نقش اساسی را بعهده نداشته و در واقع این نیروها ، آتش بیار اصلی این معرکه نیستند؟

آیا صحیح است و در مغایرت با " اخلاق " سیاسی نیست ، که " بحران " حاکم بر ایران را که در حقیقت تا اندازه زیادی نتیجه اتخاذ سیاست و عملکردهای غلط شورای نگهبان ، مجمع تشخیص مصلحت نظام ، قوه قضائیه ، روحانیت دولتی و خطباء نماز جمعه و دستگاه های تبلیغاتی رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ... بر رهبری مقام رهبری آیت الله سید علی خامنه ای می باشد را سعی کرد بطور کامل به حساب " تهاجمات خارجی آمریکا به اتفاق صهیونیست ها " گذاشت ؟

فراموش کرده ایم که از سوی مقام رهبری " **حکم حکومتی** " صادر شد که " ایرانیان " با " **غیرت** " نباید به این فکر بیفتند که می توانند " با گفت و گو برحول محور ملیت و **وطن ایرانی** " و دست زدن به روشنگری ، جوّ سیاسی ای در ایران و جهان بوجود آورند که از آن طریق در جهت حل مشکلات و اختلافات موجود با " دولت ایالات متحده آمریکا " اقدام کنند و سرانجام قدمهائی در جهت تضعیف " **بحران** " کنونی بردارند؟

روشن نیست که چرا مهندس سبحانی در این مصاحبه ، " **برخی نیروهای اصلاح طلب** " **خارج از کشور** را بدون اینکه در باره مشخصات و هویت آن ها به خوانندگان مصاحبه خود کوچکترین اطلاعاتی ارائه دهند و بطور مشخص نام آن " نیروهای اصلاح طلب " مورد انتقاد را بیان کنند ، متأسفانه بطورعام آن نیروها (برخی نیروهای اصلاح طلب) را متهم به این امر کرده اند که : " **شرایط حاد را تشخیص نمی دهند و با طرح رادیکالیسم و افراطی گری ، فضای گفت و گو را از بین می برند.** به طور مثال، اخیراً بعضی از ایرانیان خارج از کشور به طرح پیشنهاد حذف مذهب می پردازند."

در این مصاحبه همچنین روشن نیست که آیا آقای مهندس سبحانی روشنگری در باره مشخصات و حدود " حقوق شهروندی " و " ارزشهای " تشکیل دهنده نظام دموکراسی و یا مخالفت با اصطلاح غلط " نظام دموکراسی دینی " - نظریه ای نا روشن و غیر علمی که آقای سید محمد خاتمی و طرفدارانش تبلیغ می کنند و در واقع وسیله ای در خدمت سرپوش گذاشتن بر ماهیت غیر دموکراتیک نظام " دین سالاری " می باشد - ، را بمعنی " افراطی گری " ، بی توجهی به " شرایط حاد " ، " تضعیف قوای فکری ، فرهنگی ... " و " حذف مذهب " ارزیابی می کنند؟

آیا حقیقت نمی بود که آقای مهندس سبحانی در رابطه با انتقاد از " **برخی نیروهای اصلاح طلب** " **خارج از کشور** ، به این واقعیت توجه می کردند که شخص ایشان (مهندس عزت الله سبحانی) و همسرمانشان (نیروهای ملی - مذهبی) در ایران که از سوئی " **شرایط حاد را تشخیص** " داده اند ، و از " **طرح رادیکالیسم و افراطی گری** " نظرات و عقاید جلوگیری می کنند و از سوی دیگر دارای تاریخچه مبارزاتی برجسته ای علیه رژیم محمد رضا شاه پهلوی هستند ، چرا و بچه دلیل تحت پیگرد و بی حرمتی نیروهای تمامیت خواه هیئت حاکمه و قوه قضائیه جمهوری اسلامی قرار دارند؟

بنظر ما سوسیالیست های مصدقی ، افشاگری در باره سیاست و عملکرد های غیر قانونی و فرا قانونی جناح تمامیت خواه رژیم جمهوری اسلامی ، از جمله محکوم کردن رفتار قرون وسطائی قوه قضائیه و " **حکم حکومتی** " مقام رهبری و " نظارت استصوابی " ، روشنگری در باره چگونگی شیوه عملکرد های جناحی اعضای شورای نگهبان و مخالفت با نظرات انحرافی و غلط ، همچون " مردم سالاری دینی " ... و تبلیغ " حقوق شهروندی " ، " ارزش " های تشکیل دهنده نظام دموکراسی از جمله " **جدائی دین از دولت** " و یا اشاره به اسناد تاریخی ، را نمی توان و نباید بعنوان " **طرح رادیکالیسم و افراطی گری** " منفی جلوه داد .

ما سوسیالیستهای مصدقی اگر چه با شعار " همه با هم " مخالفیم و خواست " وحدت " نیرو های متضاد و متخاصم جامعه را در خدمت تحقق نظام مردم سالاری و حتی استقلال و تمامیت ارضی ایران در درازمدت، ارزیابی نمی کنیم و روشنگری در باره کثرت گرائی و ارزشهای تشکیل دهنده نظام دموکراسی و حقوق شهروندی در ایران را ضروری می دانیم ، ولی طرفدار همزیستی مسالمت آمیز تمام نیروهای سیاسی در ایران هستیم و در واقع معتقدیم که باید به طرفداری از امر " وفاق ملی " و " تقاهم ملی " برخاست . البته نباید فراموش کرد که تحقق " وفاق ملی " در گروهی محترم شمردن حرمت انسانی تمام ایرانیان و برابر دانستن حقوق آنها در مقابل قانون - صرفنظر از وابستگی مسلکی ، مذهبی ، جنسیت ، قومیت ، نژاد ، مقام ، ثروت و وابستگی طبقاتی - ، می باشد! با تقسیم ایرانیان به " خودی " و " غیر خودی " و قائل شدن حق ویژه برای " روحانیت دولتی " و " حقوق فراقانونی " برای مقام رهبری و پایمال کردن " حقوق ملت " ، نمی توان از " وفاق ملی " صحبت کرد . " وفاق ملی " بهیچوجه بمعنی " همه با هم " و یا " وحدت " و یا " ائتلاف " با هیئت حاکمه نیست ، بلکه قبول حق زندگی مسالمت آمیز و فعالیت سیاسی برای تمام مردم ایران و سازمانها و احزاب سیاسی موافق و یا مخالف هیئت حاکمه " حول محور ملیت و وطن ایرانی " می باشد.

کسانی که با سابقه فعالیت های سیاسی و اجتماعی آقای مهندس عزت الله سحابی آشنائی دارند ، نمی توانند کوچکترین مدرکی ارائه دهند که ایشان " حذف مذهب " را از جامعه ایران در نظر داشته و یا دارند. و در واقع ایشان با همکاری مرحوم مهندس مهدی بازرگان ، مرحوم آیت الله محمود طالقانی ، مرحوم دکتر یدالله سحابی ، مرحوم عطائی ... اولین سازمان سیاسی " مذهبی " ایران ، بنام " جمعیت نهضت آزادی ایران " را تأسیس کردند . با وجود این، ایشان و هممنظرانشان - نیروهای معروف به ملی - مذهبی و " نهضت آزادی ایران " - ، از سوی جناح تمامیت خواه هیئت حاکمه بر پایه تفسیر و تعبیرمخصوص آن حضرات از "اسلام " ، بعنوان " نیروهای غیر خودی " تلقی می شوند. آقای مهندس سحابی نیز در مصاحبه مورد بحث " بعضی از ایرانیان خارج از کشور " را متهم به " حذف مذهب " نموده اند ، بدون اینکه برای خواننده متن مصاحبه روشن کرده باشند، منظورشان از "ایرانیان خارج از کشور " ، کدام افراد و نیروهای سیاسی بطور مشخص می باشد ؟ اگرچه خود ایشان در کنفرانس برلین شاهد این واقعیت بودند ، که ایرانیان خارج از کشور ، حتی آن بخشی که طرفدار اصلاحات و مبارزات مسالمت آمیز می باشد ، دارای هویت های سیاسی یکسان و برابر نیستند و در مبارزات سیاسی و روشنگری های خود، اهداف متفاوتی را دنبال می کنند . وانگهی ایشان در مورد ادعای خود مربوط به "حذف مذهب " از سوی ایرانیان خارج از کشور ، همچنین روشن نکرده اند که اصولاً منظورشان از " حذف مذهب " ، بیان کدام نظرات ، عقاید و عملکردهای "ایرانیان خارج از کشور " می باشد ، تا اگر اشکالی در کار هست و ایرادی اصولی به مواضع و نظرات این افراد وارد می باشد ، با کمک یکدیگر در جهت تصحیح آنها اقدام کرد؟

برای خواننده متن مصاحبه همچنین روشن نیست که آیا آقای مهندس عزت الله سحابی نیز در باره شعار " جدائی نهاد دولت از نهاد دین " ، همچون آقای سید محمد خاتمی می اندیشند و طرفداران نظریه " سکولاریسم " و " جدائی مذهب از دولت " را ، ضد دین فرض می کنند و عملکرد آنان را در جهت " حذف مذهب " از جامعه می دانند؟

ما سوسیالیستهای ایران که خود را بخشی از نیروهای طرفدار " راه مصدق " می دانیم ، همچون بسیاری از نیروهای سیاسی خارج از کشور وابسته به طیف های مختلف سیاسی که بر امر " جدائی دین از دولت " تاکید داریم ، این " جدائی " را بهیچوجه " جدائی دین از جامعه " و یا " جدائی دین از افراد جامعه " نمی دانیم ، بلکه همانطور که بطور مکرر تاکید کرده ایم ، منظور ما " جدائی نهاد دین از نهاد دولت " می باشد ، با توجه به این اصل که ما طرفدار آزادی کامل برگزاری مراسم مذهبی تمام شهروندان ایرانی هستیم و این موضوع را بطور مفصل در نوشته های مختلف از جمله در مقالاتی در نقد " نظام مردم سالاری دینی " ، توضیح داده ام .

همانطور که متحقق شدن " جدائی نهاد دین از نهاد دولت " در تمام کشورهای اروپا ، برعکس ادعای رهبران مذهبی کلیسای کاتولیک که از سیاستمداران مستبد و تمامیت خواه پشتیبانی و حمایت می کردند ، سبب نشد تا مردم اروپا از مذهب خود فاصله گیرند ، بطوریکه امروز نیز اکثریت بسیار بزرگی از **سیاستمداران سکولار** اروپائی ، از " اروپای مسیحی " صحبت می کنند ، زیرا دین مسیحی ، دین اکثریت مردم اروپا و مسیحیت بخشی از فرهنگ مردم آن قاره می باشد .

خواست "جدائی نهاد دین از نهاد دولت " ، از سوی نیروهای سکولار ایرانی ، از جمله ما سوسیالیست های مصدقی ، بهیچوجه بمعنی " حذف مذهب " از جامعه ایران نیست ، بلکه با روشنگری در این مورد ، برقراری " نظام مردم سالاری " در ایران را هدف داریم . ما چه بخواهیم و چه نخواهیم ، موافق باشیم و یا مخالف ، ایران ما ، " ایران اسلامی " است ، زیرا اسلام بخشی از فرهنگ ما ایرانیان و دین ۹۷ درصد مردم ایران است . روشنگری و مبارزه اکثر نیروهای " سکولار " ایرانی ، بهیچوجه مبارزه بخاطر " حذف مذهب " از جامعه ایران نیست ، بلکه مبارزه ایست علیه نیروهای مستبد و دیکتاتور که بخاطر حفظ قدرت و ادامه چپاول ثروت جامعه ، کوشش دارند با منتهی درجه سوء استفاده از " دین اسلام " و " جامه روحانیت " ، به تحمیق توده های مردم ادامه دهند .

دکتر منصور بیات زاده

۱۵ مهر ۱۳۸۲

socialistha@ois-iran.com
www.ois-iran.com